

کودکان کار و خیابانی و روش های ایجاد ارتباط موثر با آنها

هوالمحبوب

گفتم با گذشت زمان، تو نیز می روی. اما تو همچنان ماندی، با نگاههای تیز و عمیق، با دستهایی که هنوز هم به زندگی جنگ می زنند و با تکه کلامهای تکراری،

تو ماندی پررنگ، آنقدر پررنگ که به تنهایی سوژه یک تحقیق شدی؛

«بچه های خیابانی»

کسی نگفت که نام تو را بر روی نسیم دود آلود خیابانها و چهارراههای شهر نوشته اند. کسی ننوشت تو، هشدار ظهور قشر جدیدی از کودکان خیابانی قرن اکنونی. تویی که نامت در هیچ کجا با مهر و بی مهر ثبت نشده است.

ما این کار کوچک را با تمام مهری کخ در وجود نهفته است به شما شکوفه های شهرم تقدیم می کنم.

فصل اول

مقدمه پژوهش

مقدمه:

انسان در نتیجه فرآیند اجتماعی شدن، برخی از مهارتهای ارتباط بین فردی را کسب میکند. اما سطح عملکرد او در این مهارتها را می توان بهبود بخشید. هر فردی، برای آنکه در روابط انسانی خود فهمیده تر، مودبتر، صمیمی تر، بیریاتر، آزاد اندیش تر، صریح تر و عینی تر رفتار کند، از ظرفیت بالایی برخوردار است. ارتباط سبب می شود که انسان دربارۀ نیازها و شرایط محیط زندگی خودش، اطلاعات لازم را بدست آورد. کنش های متقابل و هماهنگ با محیط نیز با تبادل اطلاعات ساده می شوند. ارتباط، از طریق پیامهای خود، مجراهای نفوذ بر محیط را آماده می کند و متقابلاً از طریق پس خورد پیامها، اطلاعات مروط ه عکس العمل های محیط و نیاز های متغیر آن را به سیستم می رساند. اندیشمندانی چون ارسطو، گربنر هدف اصلی ارتباط را تاثیر گذاری بر مخاطبان معرفی می کند.

اصولاً مددکاران کسانی که با کودکان کار و خیابانی در ارتباط می باشند از این موضوع شکایت می کنند که نمی توانند با این کودکان ارتباط موثری برقرار کنند و اطمینان آنها را جلب کنند و کمک کنند تا از بحران ها جان سالم به در برند.

ما بواسطه این پژوهش و به کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری، الگوی مناسب و فرصتهای تجربه شخصی، می توانیم فرایند انسان کاملتر شدن را تا حد زیادی تسریع نماییم. و سعی بر آن داریم تا بتوانیم ارتباط موثر و بهتری را با کودکان کار و خیابان برقرار کنیم تا بدین طریق در راستای اهداف خود کمک شایانی به مدد کاران و این کودکان کرده باشیم.

در این پژوهش پس از بیان مسئله و اهداف و اهمیت موضوع ارتباط با کودکان خیابانی به پیشینه و تاریخچه پیدایش آنها می پردازیم و همچنین تاملی ر نظریه های ارتباط می کنیم و راهکارهای مفیدی را رای ایجاد ارتباط موثر با این کودکان عنوان می

کنیم و سپس در بخش سوم به وسیله پرسشنامه و مصاحبه به جایگاه عملی می‌رسیم و نتیجه‌گیری حاصل از این پژوهش را عنوان خواهیم کرد.

موثر با کودکان کار و خیابانی در NGO ها طراحی شده و این راه کارها و مولفه ها د سه زمینه (ایجاد) ارتباط روشن ، متقاعد سازی ، شکستن مقاومت)مد نظر می باشد

برای چه تحقیق

هدف نهایی این تحقیق کمک به مسیر آموزش این کودکان است ، پیش زمینه برنامه ریزی اصولی و عملی برای ساماندهی کودکان کار و خیابان در NGO های مربوطه در تهران همچون خانه حمایت از کودکان کار و خیابانی ناصر خسرو، خانه حمایت از کودکان کار و خیابانی شوش، خانه حمایت از کودکان کار و خیابانی مولوی و ... فراهم می نماید چرا که کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات بزرگی است که نهادهای دولتی و خیریه باید ه آن توجه زیادی بکنند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در رابطه با پرورش کودکان کار و خیابانی این پرسش مهم برای ما مطرح می شود که (چگونه می توان با کودکان کار و خیابانی ارتباط موثری برقرار کرد؟) به نظر من هرچه این مسئله اساسی تر و دقیق تر و روشن تر شناخته شود، توفیق ما در امر شناسایی و کمک بیشتر می شود و در موقعیتی قرار می گیریم که مشکلات کودکان خیابانی را بشناسیم و با درک مناسب به رفتار و برخورد درست با آنها رو به رو می شویم.

دوران کودکی ، دوران شکل پذیری و تکوین شخصیت است .پایه هایی که در این مرحله از زندگی برای او گذارده می شود، می تواند بنایی از انسانیت و اخلاق بسازد که کج می رود یا همچنان راست و استوار کودک را به سر منزل مقصود میرساند.

بیان مسئله

ارتباط برقرار کردن با کودکان کار و خیابانی می تواند عاملی باشد موثر در جهت رفع مشکلات این کودکان تا بتوانند تعامل با دیگران و اعتماد کردن را بیاموزند. از این جهت به جوابگویی سوال ذیل اقدام می نمایم:

چگونه می توان ا کودکان کار و خیابانی شرکت کننده در NGO ناصر خسرو ارتباط موثر در راستای ایجاد یک ارتباط روشن ،متقاعد سازی، شکستن مقاومت برقرار کرد؟ برای جوابگویی به سوال فوق راه مقایسه مددکاران برتر و سایر مددکاران را در پیش گرفتیم و به سه سوال ذیل در رابطه با مهمترین مولفه ها و راه کارهای ایجاد ارتباط موثر با کودکان اهمیت خاصی دادم.

-چه تفاوتی در زمینه راه کارها و مولفه های مهم و موثر در ایجاد ارتباط روشن با کودک بین مددکاران برتر و سایر مددکاران وجود دارد ؟

-چه تفاوتی در زمینه راه کارها و مولفه های مهم و موثر در متقاعد کردن کودک بین مددکاران برتر و سایر مددکاران وجود دارد؟

-چه تفاوتی در زمینه راه کارها و مولفه های مهم و موثر در شکستن مقاومت کودک بین مددکاران برتر و سایر مددکاران وجود دارد؟

لازم به ذکر است که یکی از مهمترین موارد در ایجاد ارتباط موثر راپورت مناسب می باشد که متاسفانه به خاطر بروز مسائلی در اجرای پژوهش ، ملزم به حذف این مفهوم در بخش عملیاتی شدیم.

هدف تحقیق

این تحقیق با هدف تشخیص مولفه و راه کارهای مهم مورد استفاده بوسیله مددکاران برتر در ایجاد یک ارتباط می رساند. سالهای اولیه زندگی مهم ترین مرحله برای پرورش استعداد، شرافت یا بذهکاری است . تمام صفات و عاداتی که در این مرحله اخذ می شود همان های هستند که در بزرگسالی مورد استفاده قرار می گیرند و سلامت یا اغراف دوران طفولیت مقدمه ای برای دوران بزرگسالی کودک است . و همچنین در بعد اجتماعی با گسترش زندگی شهری و افزوده شدن تعداد ابر شهرها و معضلات حاشیه ای خاص آن این موضوع بیشتر ها حایض اهمیت می شوند.

تعاریف نظری

کودکان کارو خیابانی: کودکانی که اکثر اوقات در NGO های خانه کودک ناصر خسرو ، خانه کودک شوش، خانه کودک مولوی و ... رفت و آمد می کنند و اغلب از قشر کم در آمد جامعه می باشند.

و ممکن است از بسیاری حقوق خود ، بقاء، رشد، امنیت، تحصیل، مراقبت های بهداشتی ، حفاظت در برابر سو استفاده های جسمی و روحی و محیط خانوادگی سالم محروم باشند و برای امرار معاش خود خانواده هایشان بر خلاف قانون کار ، مجبور به کار کردن در خیابان و یا در محیط نا مناسب می باشند و از قشر کودکان عادی یا همسالان خود دور می مانند و احتمالا دچار بسیاری از مشکلات عاطفی و شناختی می شوند که محتاج توجه و رسیدگی فوری می باشند.

لازم به ذکر است که تعریف فوق در برخی از موارد می تواند شامل حال کودکان کار و خیابانی خانه کودک ناصر خسرو نشود.

ارتباط موثر: ارتباط در این تحقیق عبارتست از افکار، گفتار و کردار هایی که ما را با دیگران ، جهان هستی و ابعاد معنوی آن مرتبط می سازد و یک روش علمی و کاربردی است؛ و در دید گاه NLP به راه کار های کاربردی چون برقراری راپورت ، ارتباط روشن ، متقاعد سازی ، شکستن مقاومت، توجه خاصی کرده ام.

مددکاران برتر: مددکارانی هستند بوسیله درصد قابل توجهی از کودکان در زمینه برقراری ارتباط موثر و خو معرفی شده اند و مورد تایید مدیر خانه کودک ناصر خسرو وده اند . که آنها را ه روشی خاص مورد مطالعه قرار داده ام.

تعاریف عملیاتی

کودکان کار و خیابانی خانه کودک ناصر خسرو: کودکانی هستند که اوقات فراغت خود در خانه کودک به سر می برند و در کلاسهای هنری چون نقاشی ، معرق، کتاب خوانی ، فرش بافی ، خیاطی و ... و در کلاسهای تقویتی چون زبان، ریاضی ، فیزیک و ... و در کلاسهای ورزشی چون یوگا ، فوتبال ، والیبال ، تکواندو و... شرکت میکنند و اغلب دچار مشکلات اخلاقی ، خانوادگی ، اقتصادی ، عاطفی و فرهنگی می باشند.

ارتباط موثر: زمانی که مدد کار تواند از طریق بهترین و مهمترین راهکار ها و مولفه ها با کودک ارتباطی روشن برقرار کند و کودک را در راستای اهداف مورد نظر متقاعد سازد و بتواند بر خرد مناسبی با مقاومت کودک ارائه دهد ، ارتباطی موثر گویند.

مددکاران برتر: مددکارانی که از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، از جانب کودکان برگزیده شدند و بعلت فراوانی آرا با اختلاف زیادی از سایر مددکاران جدا گشته و راهکارها و مولفه های آنها با سایر مددکاران مقایسه شده است.

فص دوم

پیشینه پژوهش

مقدمه:

در این فصل به طور مختصر به مباحثی چون تعاریف کودکان کار و خیابانی، خصوصیات، ساختار اجتماعی، ویژگی های روانی، اجتماعی و علل پیدایش کودکان کار و خیابانی اشاره می کنم و بعد به تعاریف ارتباط، شناخت فرا گرد و مدل های ارتباطی و هدف ارتباط می پردازم و اصول و مواردی را در زمینه ارتباط اثر بخش، موانع ارتباطی، مهارت های روابط انسانی، مراحل بهبود ارتباط را عنوان می کنم. و در نهایت با الهام از مدل ارتباطی سیستم های فرهنگی هستی گرا و مدل ارتباطی گرینر کمک گرفته و مبانی خاص نظری در تدوین پرسشنامه جهت مددکاران را بر اساس مدل ارتباطی NLP سازمان می دهم. بر اساس این نظریه به چهار زمینه برقراری را پورت، ایجاد ارتباط روشن، متقاعد سازی، روبرو شدن با مقاومت می پردازم.

تعاریف کودکان کار و خیابانی

به اعتقاد بعضی از محققان هنگامی که از کودکان خیابانی در معنای دقیق یا صریح کلمه سخن می گوئیم منظور کودکان خیابانی هستند و تصور قالب نیز از کودکان خیابانی همین است. واژه فرانسوی که هم در تفسیر موسع و هم در تفسیر مضیق بکار می رود عبارتست از (Lesen fantesde lane) که نسبت به واژه انگلیسی (Street children) در ر گیرنده (Children onthe street) و همچنین تعریف مضیق (Children of the street) دارای نقص و اشکال است. همچنین به کودک خیابانی « کودک بی خانمان (Homeless children)» نیز می توان گفت. د آفریقای جنوبی به آنها (Malapipe) یعنی کسانی که در فاضلابها می خوابند، در تانزانیا (Chan gudou) بمعنای ماهیهای که به دلیل کوچکی زیاد بی مصرف هستند و صیادان آنها را دوباره به دریا می اندازند و همچنین دزدان (thievs)، طاعون (pests) و اوباش (Hood lums) در ویتنام به آنها (uidoi) یعنی کودکان خاکی (Dast children) و در برزیل به آنها (Marginis) گفته می شود. بعضی ها معتقدند که واژه کودکان خیابانی در دهه ۱۹۸۰ میلادی برای توضیح و تشریح کو دکانی بکار می رفت که اکثر اوقات خود را در خیابانها با مشاغل گوناگون سپری می کنند با بررسی و مطالعه متون به نظر می رسد تعریف جامع و مانع مورد قبول همگان برای واژه مذکور وجود ندارد و این امر ناشی از دیدگاههای متفاوت درباره پدیده کودکان خیابانی است بعنوان نمونه به بعضی از این تعاریف اشاره می کنیم. در تحقیق منتشره از سوی صندوق کودکان سازمان ملل متحده «یونیسف» د تهران کودکان خیابانی چنین تعریف شده اند: کودکانی که عمده وقت خود را بدون سرپرستی بزرگسالان در خیابانها می گذرانند.

در تعریفی دیگر که از یونیسف در سال ۱۹۹۷ ارائه شده آمده است:

کودکان خیابانی به کودکانی اطلاق می گردد که در شهر های بزرگ برای ادامه بقاء خود مجبور به کار یا زندگی در خیابانها هستند. این تعریف سه ایراد دارد. اول: عبارت «شهرهای بزرگ» مبهم و از آن تعریفی ارائه نشده است و معلوم نیست که منظور از بزرگی یک شهر ابعاد جغرافیایی یا تعداد سکنه آن است. دوم: ممکن است کودک یا زندگی در خیابان را به اختیار پذیرفته باشد.

سوم: اگر منظور از زندگی در خیابانها سپری نمودن شب و روز در خیابان باشد این تعریف، کودکانی را که در خیابان کار یا زندگی نمی کنند اما با این حال مدت قابل ملاحظه ای از روز یا شب را در آن می گذرانند را در بر نمی گیرد...

«خوزه آرتور دیوس» در مقاله ای تحت عنوان «وضعیت کودکان خیابانی در آمریکای لاتین کودکان خیابانی را صغاری می داند که دوره های زمانی قابل ملاحظه و اغلب منظمی از عمر خود را تنها یا به صورت گروهی در خیابانها می گذرانند. این تعریف اگرچه ایرادات تعاریف قبلی را ندارد با این حال دوره های زمانی قابل ملاحظه و اغلب منظم امری است که به نظر می رسد به عرف و شرایط اجتماعی بستگی دارد. بعنوان مثال کودکی که تنها یک هفته را در خیابان سپری کند کودک خیابانی محسوب نمی گردد. حال اینکه به اعتقاد ما اطلاق واژه کودک خیابانی بر او مانعی ندارد زیرا مدت خیابانی بودن تاثیری در ماهیت امر ندارد.

این کودکان را به چند گروه تقسیم می کنند:

۱- کودکانی که در خیابان زندگی می کنند اولین نگرانی آنها زنده ماندن و داشتن سر پناه است.

۲- کودکانی که از خانواده جدا شده اند و موقتا در مأمنی مانند خانه های متروک و پناهگاهها زندگی می کنند.

۳- کودکانی که تماس با خانواده خود را حفظ می کنند ولی بعلت فقر، پرجمعیت بودن خانواده یا سوء استفاده جسمی و جنسی از آنان در خانواده بعضی از شبها یا اکثر ساعات روز را در خیابانها به سر می رند.

۴- کودکانی که در مراکز ویژه نگهداری می شوند.

ملاحظه میگردد ارائه تعریفی جامع و مانع در این باره امری دشوار است. با این همه اگر بخواهیم تعریف نسبتاً جامع و مانع انجام دهیم باید بگوییم اگرچه وضعیت کنونی این کودکان بغرنج و تاسف آور است، اما گامهای فراوانی در این حیطة برداشته شده است که این گامها گاهی توسط دولتمردان نوع دوست، گاهی توسط سازمان های جهانی و زمانی به واسطه افراد خیر برداشته شده است. در کشور ما ایران با توجه به گامهای مثبتی که در این راستا برداشته شده است. اما باید اذعان داشت که این گامها هرچند مفید بوده اند اما با توجه به رشد فزاینده جمعیت این گروه، اقدامات مذکور کافی نبوده است. قبل از هر اقدامی باید در جهت شناخت کودکان با توجه به فرهنگ کشور اقدام کرد.

باید علل به وجود آمدن سیر تحولی و جمعیت شناسی این کودکان مورد بررسی قرار گیرد تا بر اساس این شناختها اقداماتی جهت نگهداری و باز پروری و باز گرداندن آنها به محیط خانواده صورت گیرد بدون شناخت سبب شناسی و نشانه شناسی و سیر تحولی پدیده در کشور با توجه به فرهنگ منطقه ای برنامه ریزی در این وادی کاری عبث خواهد بود فقط باعث اتلاف هزینه و نیروی متخصص و عدم ثمر بخشی کار انجام شده خواهد شد و این تحقیق گامی هر چند کوچک در این حیطة است و برای رسیدن به اهداف نهایی نیاز به تحقیقات گسترده ای می باشد. زیرا که موضوع، خود نیز از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. و تلاش محققان در حیطة های گوناگون جامعه شناسی، فرهنگی، اقتصادی و روانشناسی و علوم تربیتی می طلبد.

پدیده کودکان خیابانی محصول افزایش مهاجرت، گسترش حاشیه نشینی و صنفی شدن جوامع در شهرهای بزرگ است و تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست. کودکان خیابانی به شدت در معرض آسیبهای اخلاقی و جسمانی هستند و در بسیار از موارد توسط گروه های سازمان یافته جذب کارهای خلافکارانه می شوند.

همچنین کودکان خیابانی حاصل فقر اجتماعی هستند برخی خانواده ها بعلت نداشتن هزینه مخارج فرزندانشان آنها را وادار به کار می کنند. فقر در ایران طور مستقیم بر کودکان تاثیر میگذارد. کودکان خاموش ترین و بی دفاع ترین بخش جامعه علاوه بر خشونت رفتارهای سنتی و عقب افتاده پدر سالاری، در جدالی نا برابر و از پیش تعیین شده با فقر و تنگ دستی قرار دارند. باز تاب تکانه اجتماعی ناش از بی عدالتی، عدم تامین اجتماعی، گسترده تر شدن فاصله طبقه اجتماعی و... هر روز کودکان بیشتری را به کودکان خیابانی اضافه میکنند. کودکان بعنوان یکی از ابزار ایجاد درآمد در نتیجه فقر خانواده مورد استفاده قرار می گیرند. امروزه بعلت آسیبهای اجتماعی از جمله اعتیاد، طلاق، بی سرپرستی و بد سرپرستی، کودکان از خانه های خود فرار کرده و به شهر های بزرگ می روند. این کودکان معمولا ه کارهای پست مثل دست فروشی، واکسی، گل فروش و غیره مشغول می شوند. در بعضی مواقع این کودکان مورد سوء استفاده های جنسی و توسط افراد سود جو واسطه فروش مواد مخدر می گردند.

طبق بر آورد یونیسف در ایران ۹۰٪ کودکان دارای پدر یا مادر هستند و در خانواده های پر جمعیت زندگی می کند و در تهران ۸۰٪ این افراد مهاجر هستند و ۹۸٪ آنها مذکر هستند.

به طور خلاصه کودکان خیابانی کودکانی هستند که برای ادامه زندگی و بقای خود مجبور به کار کردن هر چند سخت طاقت فرسا هستند و اینها از داشتن حق طبیعی و حقوق اساسی و انسانی محرومند. برآستی در کشوری وجود چنین کودکانی قابل فهم است.

خصوصیات کودکان خیابانی

۱ - بیگانه شدن و ترد شدن آنها از نظام و ساختار های معمول اجتماعی

۲ - اقدام به رفتارهای شدید ضد اجتماعی و صدمه به خود

۳ - این کودکان بعلت مشکلات تغذیه ای معمولا کوچکتر از سن خود به نظر می رسند و از لحاظ جسمانی وضع خوبی ندارند.

۴ - دختران معمولا مورد سوء استفاده جنس قرار می گیرند و اغلب به خود فروشی روی می آورند.

۵ - ترس از باز داشت، زندان، خشونت و تهدید پلیس معضلی است که همیشه با کودکان خیابانی همراه است.

۶ - اینان قربانیان شوم شرایط اجتماعی هستند و بیشتر از طبقات پایین جامعه می اشند.

۷ - معمولا تک سرپرست بوده و معمولا مادر سرپرستی ایشان را بعهده داشته و نتوانسته به خوبی کودک خود را اداره کند.

۸ - تمایل و اعتمادی به بزرگسالان و انجمنهای حمایتی ندارند زیرا اغلب از سوی بزرگسالان ترد شده مجبور به انجام کارهای سخت شده اند.

۹ - بیشتر آنها آرزو دارند به خانه هایشان باز گردند مشروط بر اینکه فاکتور هایی که باعث فرار آنها از منزل شده حذف شود.

۱۰ - بچه های خیابانی معمولا به صورت گروههایی هستند که دور هم جمع می شوند و بین خود رابطه برقرار می کنند تا کمبود های عاطفی، اقتصادی و حمایتی خود را از گروه دریافت نمایند. این گروهها با هم وحدت و صمیمیت دارند و از یکدیگر حمایت می کنند و اغلب به هم وفادار هستند.

۱۱- استفاده از مواد مخدر برای فرار موقت از واقعیت هاست که نه فقط تریاک ، بلکه استنشاق چسب های صنعتی و بنزین و مواد شیمیایی را نیز شامل می شود.

۱۲- از نظر بافت خانوادگی تعداد افراد خانوار زیاد می باشد.

۱۳- بررسی آمار محل سکونت مدد جویان بیانگر آن است که بیشتر این کودکان از استانهای غربی کشور می باشند و پس از تهران و خراسان استانهای غربی بیشترین آمار کودکان خیابانی را به خود اختصاص داده اند.

ساختار اجتماعی کودکان خیابانی

این گروه از کودکان برای محافظت از خویش گروههای کوچک تشکیل می دهند که این گروهها جای خانواده را برای آنها پر می کند و در بین آنها نوعی هم بستگی و محبت ایجاد میکند و رهبر گروه همیشه فرد قدرتمند و با هوش گروه است.

ویژگی های روانی و اجتماعی کودکان خیابانی

این کودکان با خطرات گوناگونی و گاه ناشناخته ای مواجهند ، از قبیل تصادف با اتومبیل و استنشاق دود های مسموم کننده ، خشم و غضب رانندگان و مسافران شهری و دستگیر شدن توسط ماموران شهرداری به جرم پرسه زدن در خیابانها و سد معبر. این بچه ها در معرض خطر تبهکاران بزرگسال و سازمان یافته ای هستند که از آنها برای جیب بری ، دزدی و فروش مواد مخدر استفاده می کنند ویا برای رسیدن به هدف های پلیدشان آنان را مورد سوء استفاده بدنی و جنسی قرار میدهند.

بطوریکه بررسیها نشان میدهد یش از نیمی از کودکان خیابانی از خانواده های با تحصیلات پایین و بی سواد بودند که این امر همت تلاش گسترده تمام موسسات آموزشی و پرورشی را در مبارزه با بی سوادی می طلبد . جمعیت جوان کشور که روز به روز ر تعداد آنان افزوده می شود و در طی سالیان آینده به رشد فزاینده ای خواهند رسید بیش از هر چیزی نیازمند به حرفه آموزی ، تحصیل است و چنان چه بدون در نظر گرفتن این انفجار ناگهانی جمعیت برای نیاز های ضروری نسل جوان که آماده ورود به بازار و تشکیل زندگی مستقل است فکری اساسی صورت نگیرد به احتمال قوی آمار کودکان خیابانی سیر صعودی یافته و رو به افزایش می گذارد.

به اعتقاد روانشناسان سن بلوغ از بحرانی ترین سالهای زندگی یک انسان به حساب می آید و به دلیل تغییرات بسیار زیاد فیزیولوژیکی بروز هیجانات و احساسات خاص دوره نوجوانی نیاز مند مراقبت ویژه می باشد. تحقیقات انجام شده بیانگر آنست که بیشتر کودکان خیابانی در سنین ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ سال مبادرت به فرار از خانه کرده اند در سنینی که حس استقلال طلبی و تمایل به ابراز وجود در نوجوان نمود بیشتری یافته و عملا بیشترین ناسازگاریها و پر خاشگری های نوجوانان با خانواده در این سنین نمایان می شود، تمایل به شرکت فعال در جریان امور زندگی عدم پذیرش از طرف خانواده ، ارتباط با دوستان و همسالان ، عدم رضایت والدین از ارتباط فرزندانشان با برخی از دوستان و تحریک جهت مسافرت به شهرهای بزرگ و تلاش بر ای یافتن کار و ... است بدست هم داده و عوارض بعد نیز گریبان گیر آنها می شود.

علل پیدایش کودکان خیابانی

این کودکان معمولا بعلت محرومیت از غذای مناسب دچار سوء تغذیه و در نتیجه محروم بودن از امکانات پزشکی و آموزشهای بهداشتی از بیماریهای پوستی و گوارشی رنج می رند و بطور کلی سالم نیشتنند. این کودکان هر روز با سوء استفاده های فراوانی به

شکل فحاشی بزرگترها، والدین و هم قطاران خود روبرو هستند. روحیه پرخاشگری و میل به خلافتکاری که در این شرایط برای کودکان بوجود می آید، بیشتر باعث آن، بی مهری پدر و مادر نسبت به کودکان خودشان می باشند و در نتیجه کودکان وقتی احساس کنند پدر و مادر از او حمایت نمی کنند فردی نا بهنجار برای جامعه می شوند.

این دسته از کودکان برای تبهکاران بزرگسال لقمه آماده ای هستند و خیلی زود بوسیله این حرفه ای ها با دنیای تبهکاری آشنا می شوند. کودکانی که بدست این تبهکاران می افتند در طی دوره کارآموزی چنان مورد سوء استفاده بدنی و جنسی قرار می گیرد تا چشم انداز زندگی آینده آنان شکل می گیرد. آنها خیلی زود فوت و فن های تبهکاری را فرا میگیرند و بتدریج تمایل می یابند که به کارهای ضد اجتماعی جسورانه تری دست بزنند. از جیب بری و ماشین دزدی تا سرقت از منازل، تبهکاران حرفه ای از این کودکان نگهداری می کنند و در نتیجه، حضور آنان در دنیای تبهکاران حرفه ای کم و بیش تثبیت می شوند و تداوم می یابد. به این ترتیب دست یابی به این گروه از کودکان برای کسب اطلاعات از وضعیت کنونی و سود اهالی که برای آینده در سر می پروراند مشکل است. هر چند تمامی کودکان خیابانی زندگی بسیار سختی پیش رو دارند، فوت و فن تنازع بقا را خیلی زود فرا می گیرند و به نظر می رسد که به آینده خوش بین اند حتی برخی از آنان آرزو دارند در آینده معلم، دکتر، مغازه دار و یا تاجر شوند.

۱- کودک: عقب ماندگی ذهنی، معلولیت ها جسمی، نفرت کودک از پدر و مادر، ترک تحصیل به هر دلیل، اختلال شخصیت.

۲- جامعه: فقر، یکاری، اضمحلال ارزشها و اخلاقیات، ازدهام مناطق مسکونی، اجرای ضعیف قانون مهاجرت، حاشیه نشینی در اطراف شهرها، اعتماد، در آمد بالای مشاغل خیابانی، جاذبه گروه همسالان، عدم سیستم آموزش و پرورش، رشد سریع جمعیت.

۳- خانواده: خانواده های فقیر و پر جمعیت، بی سوادی والدین، تعارض های خانوادگی، ضعف اخلاقی خانواده، بی سرپرستی یا تک سرپرستی، بیماریها و یا معلولیت های جسمی و روانی والدین، نا پدری و نامادری.

همچنین مطالعات نشان می دهد که درصد بالایی از این کودکان در سنین ۱۲ تا ۱۶ سال می باشند. بدلیل عدم وجود پشتوانه و محافظت، این کودکان دچار عوامل تهدید کننده سلامتی از جمله سوء تغذیه، ابتلا به بیماریهای واگیر دار و غیر واگیر دار، سوء استفاده جنسی و بیماریهای روانی میشوند.

ارتباط چیست

از ارتباط تعاریف گوناگونی شده است:

۱- بر اساس گفته میلر «ارتباطات فرآیندی پویا است که زیر بنای بقا، رشد، تحولات تمام سیستمهای زنده در سازمان است، یکی از سیستمهای حیاتی انسان و سازمان که توسط آن انسان و سازمانها و ارگانهای داخلی خود را باهم مرتبط می سازند.»

۲- بر اساس گفته دکتر خسروی برگرفته از مدل ارتباطی سیستمهای فرهنگی هستی گرا «ارتباط تعاملی بین یک یا چند سیستم زنده ب خصوصیات بیولوژیک. این تعامل یا هدف ارضا نیازهای چند گانه سیستمها انجام می شود (نیازهای بیولوژیک سمبولیک) که حتی خود سیستم ممکن است در رابطه با آنها هوشیاری کامل داشته باشد.

۳- بر اساس گفته های اندیشمندی چون شنن و ویوور برگرفته از مدل ریاضی و انتقال اطلاعات «ارتباط توزیع اطلاعات به منظور هدایت رفتار انسان می باشد.»

شناخت فراگرد (فرایند)

در بررسی تعاریف گوناگون ارتباط، دیدیم که اکثر دانشمندان این رشته منطق القول هستند که ارتباط یک فراگرد است. از مجموع نوشته های برلو در باره ی فراگرد می توان چنین نتیجه گرفت:

۱- فراگرد ایستا نیست بلکه پویا است.

۲- فراگرد آغاز و پایان ندارد.

۳- اجزا و عناصر یک فراگرد دارای کنشهای متقابلند و هر یک بر دیگری تاثیر میگذارد و از دیگری تاثیر می گیرد.

۴- دارای ردیفی از اجزا نیست.

و تمامی خصایص فوق شامل ارتباط که یک فرارد است نیز می شود. و مادر ادامه ببه توصیف مدلهای فراگرد ارتباط می پردازیم.

مدلهای فراگرد ارتباط

پیش مدل ارسطو: ارسطو اولین دانشمندی بود که برای ارتباط، شبیحی از یک مدل را پیشنهاد کرد. او هدف نهایی از ارتباط را تر غیب می دانست. در هر ارتباطی به سهولت و به خوبی می توان سه جز مشخص و متمایز را از یکدیگر تشخیص داد.

این سه جز عبارتند از: ۱- گوینده ۲- گفتار ۳- مخاطب.

مدل گونه هارولد راسول: در این مدل پنج عبارت کوتاه خلاصه شده است: ۱- چه کسی؟ ۲- چه میگوید؟ ۳- در چه کانالی؟ ۴- به چه کسی؟ ۵- با چه تاثیری؟

مدل ارتباطی کلود شنن و وارن ویوور: دایرة المعارف مک گروهیل، شنن را نخستین فردی مرفی می کند که ارتباطات را از دید گاه ریاضی مورد بررسی قرار داد. این شش عضو صورت: ۱- منبع ۲- اطلاعات ۳- منتقل کننده ۴- کانال انتقال ۵- گیرنده ۶- مقصد، مطرح شده است. که همگی آنها در یک خط تنظیم شده بودند.

مدل ارتباطی اتمیل دو سلاپول: یک سیستم ارتباطی عبارت است از چیزی که بیان کننده رابطه یا عدم رابطه بین موضوعات یا اشیا است.

مدل ارتباطی ویلبر شرام: ارتباطات حد اقل به سه عنصر نیاز دارد، منبع، پیام، مقصد. منبع ممکن است یک فرد (معبتش، نوشته اش، نقاشی اش، حرکاتش) باشد. پیام ممکن است به شکل جوهر روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان برق، تکان دادن دست یا پرچم در فضا یا هر نوع علامتی که قادر به تفهیم معنی باشد، ظاهر شود. مقصد یا هدف ممکن است شنونده، تماشاگر، خواننده چه به صورت فردی، گروهی یا جمعی باشد. اگر حس کنیم که شنندگان، پیام ما را درک نمی کنند، می توانیم پیام را آنقدر تکرار کنیم که مطمئن شویم که پیام درک شده است. یا درباره آن مطلب مثالی بزنیم و یا همان موضوع را به نحو دیگری بیان کنیم. این تکرارها و مثال ها همان حشو زواید در زبان است. حالت صورت شما، حرکاتتان، رابطه پیام داده شده به پیامهای فرستاده، حتی پیامهای اولیه، اطلاعات در سطوح وسیعی را منتقل می کند. پیام لغاتی را در الگویی از لحن صدا و زبان

آن که به کل معنی کمک می کند ، نشان می دهد . کیفیت صدای شما (عمق ، ارتفاع ، خشن بودن ، نازک بودن ، قوی بودن ، ظریف بودن ، تند بودن ، آرام بودن) حاوی اطلاعاتی در مورد شما و آنچه می گویند است.

مدل ارتباطی دیوید برلو : این مدل حاوی چهار عنصر ۱- منبع ۲- پیام ۳- کانال ۴- گیرنده است . منبع و گیرنده هر کدام دارای مهارت های ارتباطی ، نگرش ، دانش ، سیستم های اجتماعی و فرهنگ هستند و پیام نیز به رمز ، محتوا و نحوه ارائه و عناصر و ساخت تقسیم شده است . کانال شامل دیدن ، شنیدن ، لمس کردن ، بوییدن و چشیدن است.

مدل ارتباطی آندروش ، استتس ، بوستوم : این مدل بعنوان یک مدل خوب برای ارتباطات چهره به چهره و تاحدودی گروهی قابل استفاده است . در هر موقعیتی وقتی دو نفر یا بیشتر در کنار هم باشند . مرحله اول، یکی از آنها شروع به فرستادن جنبه هایی از پیام می کند و خودش یک منبع پیام می شود. مرحله دوم ، از فعالیتهای ارتباطی یعنی مرحله ساختها ، منبع گوینده و ایجاد کننده ایده شروع به ساخت میکند . مرحله سوم ، منبع با ارزشها ، عقیده و ایده های خود در حال کنش متقابل است اودر آن لحظه تداوم پیام را ارزیابی می کند . این ارزیابی بخش مهمی از ارتباط است . اما در هر شرایطی برای منبعها غیر ممکن است که ارزشهای خودشان را نادیده بگیرند . مرحله چهارم ، عمل انتقال برای تبدیل راهنماهای خاموش به راهنماهای شنیداری صورت می گیرد. به این ترتیب دور محرک و پاسخ در تمامی گسترده ارتباط حفظ می شود . مرحله پنجم ، یک شنونده به هیچ وجه نباید متکی به یک ارتباط ساکت باشد زیرا به محض آنکه یک گوینده صحبت خود را تمام کند نقش او جابجا می شود و گوینده مذکور حالا بعنوان گیرنده اصلی پیام شروع به ارتباط بصورت بیانی می کند . در این صورت و در آن لحظه شنونده مسئولیت های ارسال پیام را بعهده دارد و در مقابل گوینده قبلی ، به صورت شنونده در می آید.

ارتباطات انسانی در مدل اسمیت : ارتباط ، اطلاعات، احساسها ، حافظه ها و فکر ها را میان مردم منتقل می کند که سطوح مختلف آن عبارتند از : سطوح فیزیکی (شنیدن ، دیدن ، لمس کردن ، بوییدن و چشیدن و رفتار بصورت عمومی و بعنوان خروجی) ، سطح عاطفی (مراقبت ، قدرت ، دل بستگی ، همدلی ...) ، سطوح حافظه (تاریخ و فرهنگ) ، سطح شناخت (تفکر با هم) سطح وظیفه (ما اینجا در حال انجام دادن چه چیزی هستیم ؟) و میان این سطوح گفتگویی انجام می گیرد . انتقال موثر اطلاعات انسان به انسان وقتی انجام می شود که حد اکثر اطلاعات یا داده هایی با معنی را در ر گیرد . معمولا این امر سبب کاهش زمان لا زم ، راحتی تشخیص و بالا بودن محتوی اطلاعاتی می شود.

هدف از برقراری ارتباط چیست

ارسطو هدف از ارتباط را اقناع دیگران گفته است و می افزاید که برقرار کننده ارتباط ، از هر راه و با هر وسیله ای که امکان داشته باشد مایل است طرف مقابل ارتباط یا مخاطب خود

را تحت تاثیر و نفوذ در آورد و نظر و عقیده خود را به او بقبولاند.

مکتب فلسفی فاکولته برای ارتباط دو هدف کاملا جداگانه تعیین کرده اند:

هدف اول : که جنبه شناخت و شناسایی داشت و رابطه آن با مغز بود.

هدف دوم : که هدفی عاطفی و هیجانی بود و قلمرو فعالیت آن روح و نفسانیات محسوب می شد.

پس از چندی هدف سومی نیز از سوی نخستین کارشناسان وسائل ارتباط جمعی افزوده شد: هدف سوم: آموزش دادن، آگاه کردن و سرگرم کردن را مطرح کردند.

به هر حال هدف از برقراری ارتباط از یک سو می تواند در حوزه روانشناسی مطالعه شود و از سوی دیگر در حوزه جامعه شناسی.

سرانجام شاید بتوان گفت که همانطور که هدف از زندگی هر شخص در هر جامعه و در هر مقطع زمانی می تواند متفاوت با اوضاعی دیگر باشد، هدف از برقراری ارتباط نیز در هر لحظه ممکن است جدا از لحظه قبل باشد. اما شاید بتوان گفت که سهم عمده ای از هدف برقراری ارتباط، تاثیر گذاری است و حوزه این تاثیر نیز بسیار وسیع است.

مبانی ارتباط اثر بخش

از دیدگاههای مختلف که می تواند در بهبود نگاه ما به ایجاد ارتباطات موثر، مفید باشند می توان کارل راجرز در دیدگاه انسان گرایی را نام برد که معتقد است سه ویژگی کلیدی وجود دارد که موجب پرورش ارتباط های بهتر می شود؛

الف) صداقت یعنی این که فرد بدون هیچ کم و کاستی، همان گونه که هست باشد. فردی که اصالت دارد، از احساسات خود آگاهی دارد و قادر است در زمان مناسب این احساسات را بیان کند. مزد صادق، در ارتباط با دیگران میتواند بطور طبیعی، خودش باشد، بطوریکه آنان بتوانند او را همان گونه که هست بشناسند. صداقت در تمامی روابط مهم، امری ضروری است. فرد باید جرأت کند که خودش باشد، تا بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند. صداقت شامل یه چیز است: ۱- آگاهی از خود ۲- پذیرش خود ۳- بیان خود

ب) عشق بدون انحصار طلبی: دومیت صفت کلیدی است که می تواند موجب ترویج ارتباط های معنا دار شود که شامل اجزایی است:

۱- عشق ورزیدن، لزوما دوست داشتن نیست.

۲- پذیرش تجلی مهم عشق است

۳- احترام، دیگر عنصر اصلی عشق است.

۴- عشق واقعی متجاوز نیست.

۵- صمیمیت، عشق به ایجاد محبت گرایش دارد.

ج) همدلی: یعنی توان درک دیگری - تا حد زیاد - و به همان شکل که او خودش را درک می کند. فرد همدل می تواند در جلد فرد دیگر فرو رود و جهان را از دریچه چشم او ببیند. او به دیگری، به طریقی غیر زیان آور و غیر نقادانه گوش می کند. او داستان شخص دیگر را، چنان که خود قصد دارد معرفی کند می شنود و اهمیت خاصی را که داستان برای دیگری دارد، تشخیص می دهد.

همدلی شامل سه جز می شود:

۱- فرد همدل در عین حالی که درک دقیق و حساسی از احساسات فرد دیگر دارد، جدایی خاص خود، از شخص مورد نظر رانیز حفظ می کند.

۲- همدلی یعنی درک موقعیتی که پدیدار شدن آن احساسات، کمک کرده است و یا موجب برانگیختگی آنها شده است.

۳- فرد همدل به شکلی با طرف مقابل ارتباط برقرار می کند که او احساس کند پذیرفته و درک شده است.

موانع ارتباطی

سد هایی که مانع یک گفتگو می شوند را متخصصان ارتباطهای بین فردی مانند کارل راجرز، ریول هووه، هائیم یگنوت و بک گیب مشخص کرده اند. توماس گوردون فهرست جامعی ارائه کرده است که آنرا « دروازه باز دارنده پلید ارتباط » می نامد.

دسته پاسخهای نامطلوب قضاوت:

۱- انتقاد: ارزیابی منفی از فرد دیگر و اعمال و نگرش او می اشد.

۲- نامگذاری: خوار و خفیف کردن و یا دادن یک عنوان کلیشه ای به شخص دیگر می باشد. ۳- تشخیص گذاری: تجربه و تحلیل رفتار فرد دیگر و بازی کردن نقش یک روانشناسی مبتدی می باشد.

۴- ستایش همراه با ارزیابی: قضاوت مثبت در مورد شخص دیگر و اعمال و نگرش های او می باشد.

دسته پاسخ های نامطلوب ارائه راه حل:

۱- دستور: دادن دستور انجام کاری که مایلید انجام شود ه فرد دیگر می باشد.

۲- تهدید: تلاش برای کنترل اعمال و رفتار طرف مقابل از طریق هشدار و در مورد پیامد های منفی آنچه برایش تدارک دیده اید.

۳- اخلاقی ساختن: هنگامی که مشاور به مراجع خود درس اخلاق می دهد یا برای او موعظه می کند رفتار مراجع خود را مورد ارزیابی قرار میدهد و اعلام می دارد که مراجع باید چه کاری انجام دهد و چه احساسی پیدا کند این گونه پاسخ دادن گناهکار بودن را در مراجع بر می انگیزد و مستلزم قضاوت ارزشی است. وسعی دارد مراجع را در مسیر نظام ارزشی مشاور تغییر دهد به بیان دیگر اینکه فرد باید چه کاری را انجام دهد و موعظه کردن.

۴- پرسشهای زیاد و نامناسب: سوالهای پاسخ - بسته اغلب از سدهای عمده ارتباط می باشند. اینها سوالهایی هستند که معمولاً، می توان با کلماتی کوتاه و مختصر ه آنها پاسخ داد.

۵- نصیحت کردن: نشان دادن راه حل مشکل فرد دیگر به او می باشد.

دسته پاسخ های نامطلوب اجتناب از نگرانی های طرف مقابل

۱- منحرف سازی: کنار زدن مشکلات فرد دیگر از طریق ایجاد حواس پرتی است.

۲- بحث منطقی: تلاش برای متقاعد کردن فرد دیگر با توسل به حقایق و منطق و معمولاً بدون در نظر گرفتن عامل هیجانی مربوط است.

۳- اطمینان آفرینی: تلاش برای متوقف کردن هیجان های منفی فرد دیگر است.

این موانع باعث می شود، فرد دیگر یا ممکن است فررمانبردار تر و مطیع تر شود و یا مخالفت و عصیان گر و پی گر جر و بحث و مشاجره شود. ایندسته از موانع گفتگو، در جهت کاهش عزت نفس انگیزه طرف مقابل پیش می روند. آنها احتمال خود مختاری فرد دیگر را کم می کند و احتمال اینکه او کانون ارزیابی را به بیرون از خود انتقال دهد افزایش می دهند. موانع در جامعه ما سیلر شایع اند، و در ۹۰٪ از گفتگوهایی که طی آنها یک یا هر دو طرف دچار مشکل یا نیازی جدی شود، دخالت دارند. اما عاداتهای مکالمه ای بد را، در اصل، از طریق کاربرد مهارت های آموزشی می توان اصلاح کرد.

مهارت های روابط انسانی

انسان در نتیجه فرایند اجتماعی شدن، برخی از مهارت های ارتباط بین فردی را کسب می کند. اما سطح عملکرد او در این مهارتها را می توان بهبود بخشید. هر فردی برای آنکه در روابط انسانی خود فهمیده تر، مودب تر، صمیمی تر، بی ریاتر، آزاد اندیستر، صریح تر و عینی تر رفتار کند، از ظرفیت بالایی برخوردار است. اما با کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری، الگوهای مناسب و فرصت های تجربه شخصی، می توان فرایند انسان کاملتر شدن او را تا حد زیادی تصریح نمود. که رابرت بولتون مهارت های را عنوان کرده اند که هر کدام از آنها می تواند به نوبه خود سر فصل تحقیق و تفحص دیگری باشند.

۱- مهارت های ترمیم فاصله بین فردی

۲- مهارت های گوش کردن

۳- مهارت های کنترل تعارض و تضاد

۴- مهارت های ابراز وجود

مراحل بهبود ارتباط

مهارت های ارتباطی، یک مسئله است و کار رد اثر بخش آنها در زندگی روزمره، مسئله ای کاملا متفاوت. رابرت بولتون دریافت که پنج عامل، بر احتمال کاربرد این مهارت ها در زندگی روز مره آنان تاثیر می گذارد.

۱- تعهد کمی یا عینی در بکار گیری مهارت ها: توان واژه «تصمیم» به دلیل کاربرد بدون دقت آن کاهش یافته است. بنابراین وقتی مهارت های ارتباطی را به فردی آموزش می دهیم، او را تشویق می کنیم خود را متعهد سازد تا از هر مهارت، در ضمن هر هفته و به مدت سه ماه، به تعداد «دفعات مشخص» استفاده کند. بکار گیری یک مهارت در دفعات مشخص، به اندازه تعهد برای استفاده از آن اهمیت دارد. اگر خود را به انجام تعداد مشخصی از یک مهارت متعهد نکنید، ممکن است این فکر به راحتی در ذهن شما تشکیل گیرد که مهارتها را، بیش از آنچه واقعا بکار برده اید، مورد استفاده قرار می دهید.

۲- نهراسیدن از شکست های تصادفی: این مهارت ها، نوشدارو نیستند. زمانی که بخوبی مورد استفاده قرار گیرند با احتمال بسیار زیاد موفقیت و غنی سازی روابط همراهند. با وجود این، گاه حتی کاربران بسیار خبره و صادق را با شکستهایی تصادفی روبرو می کند. احتمالا شما هنوز یک از ماهر ترین متخصصان مهارت های ارتباطی نیستید. بنابراین همان طور که افراد موفق با شکست ها تصادفی مواجه می شوند، بدون شک شما نیز به آن شکست ها دچار می شوید. هنگامی که مهارت ها، برایتان مفید نیستند، شما این حق انتخاب را دارید که به بررسی اشتباهی که اتفاق افتاده بپردازید و یاد بگیرید که چگونه آن را در آینده

تصحیح کنید. پشتکار در رویارویی با شکست های احتمالی برای کسانی که به پیشرفت مهارت های خود متعهد هستند، یک ضرورت است.

۳- انتخاب موقعیت های مناسب: هنگامی که مردم با مهارتهای آموزش داده شده در این دوره آشنا می شوند اغلب می خواهند که برخی از آنها را در بعضی از دشوارترین مسائل بین فردی زندگی خود بکار برند. آنان ممکن است گوش کردن انعکاسی را در مواقعی بکار گیرند که با بیشترین احتمال کاربرد قضاوت یا ارائه نصیحت همراه است، یا در برابر افرادی به ابراز وجود بپردازند که کمترین احتمال پاسخ به یک پیام جرأت مندانه را دارند. اما همان طور که احمقانه است که با یک روز تمرین دویدن، در مسابقه ماراتن شرکت کنید، استفاده از مهارت ها در محیط ها و موقعیت های دشوار نیز، قبل از تمرین جدی و تسلط کافی بر آنها کار معقولی نیست.

۴- آماده سازی دیگران برای تغییر: برخی افراد پس از یادگیری مهارتهای ارتباطی تمایل شدیدی دارند که این مهارت ها را بعنوان یک راز تلقی کنند. اما برخی دیگر مایلند که افراد شریک در زندگی و محل کار خود را از این حقیقت آگاه کنند که گاهی از اوقات، برخی از روشهای ارتباطی متفاوت را به کار خواهند برد. پژوهشها نشان می دهد که معمولاً بهتر است به افراد دیگری که احتمال دارد برخی از رویکرد های جدید را در برخورد با آنان به کار می برید توضیح دهید که چرا قصد دارید برخی از رویکرد های ارتباطی جدید را بکار گیرید و این مهارت ها شامل چه مواردی خواهد بود.

۵- آموزش مهارت ها: کارگاههای آموزشی مهارت سازی می توانند موهبتی بزرگ برای توسعه توانایی انسان در برقراری بهتر ارتباط باشند. خواندن کتابهای مربوط به ارتباطات انسانی نمی تواند با یادگیری در یک موقعیت آموزشی که در آن، مهارت ها، توسط آموزش دهنده و ضبط صوت و نوارهای ویدیویی الگوسازی می شوند و در آنها، جلسات تمرینی همراه با بازخورد تشکیل می شود برابری کند. بیشتر مردم در می یابند که یک کارگاه مهارت آموزی در پرورش اثر بخشی بیشتر روابط بین فردی بسیار مهم است.

نظریه نیاز و ارتباط موثر

همه جا با ابزار های بیولوژیکی متولد می شویم که از طریق آنها می توانیم ارتباط برقرار کنیم - یک مغز، اندام تولید صدا (دهان، زبان، حنجره) و ابزار و اندام دریافت پیامها (گوشها، چشم ها) همچنین بنا بر عقیده قوم نگاران (دانشمندی که فرهنگ ها را مطالعه می کند) با نیاز های خاصی متولد می شویم که باید مرتفع گردند. برخی از نظریه پردازان ارتباطات معتقدند که این نیاز های درونی ما زمینه ساز رفتار ها و اعمال ارتباطی ما هستند. این نظریه به ما توضیح می دهد که چرا ما به شیوه ای ارتباط برقرار می کنیم که از درک معمول ما از فرایند ارتباطات فراتر است.

بر اساس این نظریه، نیازهای اساسی تعیین کننده رفتار انسان عبارتند از نیاز به سلامت، نیاز لذت جویی، نیاز به امنیت و نیاز قلمرو خواهی. میزان نیاز هر فرد ه هر یک از نیاز های مذکور نیاز فرد دیگر متفاوت است. مثلاً ممکن است در یک فرد نیاز لذت جویی وی از سایر نیاز های اساسی وی شدیدتر باشد. حال آنکه ممکن است شخص دیگری بشدت به قلمرو خواهی نیاز داشته باشد.

مبانی خاص نظری در تدوین پرسشنامه جهت مربیان

ما بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته ، تحقیق خود را بر این نهادیم که در نظر گرفتن سه مدل ارتباطی ستمیک فرهنگی هستی گرا ، گریند و NLP مولفه ها و راه کار های مفیدی را که مدد کاران برتر در مقایسه با دیگر مددکاران در ایجاد ارتباط موثر ، با این کودکان استفاده می کنند دهم و در انتها بر مبنای نظریه NLP سوالاتی ساخته و با ارائه آنها به مدیر خانه کودک ، ومددکاران برتر و کودکان به نتیجه پژوهش خود دست یابیم . بدین منظور ابتدا شمه ای از این سه نظریه را در ذیل شرح خواهیم داد و در نهایت سوالات مربوطه را عنوان خواهیم کرد.

محل ارتباط سیستم های (سازش پذیر) فرهنگی هستی گرا

ارتباط یعنی تعاملی بین یک یا چند سیستم زنده با خصوصیات بیولوژیک . این تعامل با هدف ارضا نیاز های چند گانه سیستمها انجام می شود (نیاز های بیولوژیک سمبولیک) که حتی خود سیستم ممکن است در رابطه با آنها هوشیاری کامل داشته باشد (خسروی، ۲۰۰۳).

پایه های ارتباطی مدل عبارتند از:

- ۱- توجه به اینکه چرا ارتباط تبادل اطلاعات نیست و یک تعامل است.
- ۲- انسانها ابعادی چند گانه و چند بعدی دارند.
- ۳- انسانها سیستمهایی هستند که در مقابل ارضا نیاز ها خود آزاد و به صورت هستی گرایی مسئول می باشند.
- ۴- در ارتباطات نیاز ها از اهمیت محوری برخوردارند.
- ۵- سیستمها سعی دارن در جایگاهی خاص و بصورت منظم قرار گیرند تا در آن جایگاه بتوانند نیاز های خود را بر طرف کرده و نقشی را به خود بگیرند که به ارضا نیازهایشان کمک کند.
- ۶- عدم چشم پوشی از منافع تئوری هایی همچون شنن که با طرح مباحثی همچون «کانال ارتباطات» مارا به دستیابی به ارتباط کمک می کند.

مدل ارتباطی گرینر

ویژگی این مدل آنست که می تواند گونه های مختلف شرایط اجتماعی را توصیف کند . درست مشابه نحوه استفاده از بلوکهای مختلف یک ساختمان . مدل گرینر برای توصیف یک فراگرد ساده مثل پیام یا یک فراگرد پیچیده تر مثل پیام و ریدادهای مربوط به آن قابل استفاده است و می تواند پاسخهایی درباره طبیعت و اثر متقابل شناخت و ادراک از یک سو و تولید پیام از سوی دیگر عرضه کند . این پیام شامل اجزایی به شرح ذیل می باشد:

۱- یک شخص

۲- یک رو&